

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز با عنوان:
Analysis of the Concept of Colonial Urbanization in Iran
Case study: Abadan during Britain Oil Colonialism
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

مقاله پژوهشی

مفهوم شهرسازی استعماری در ایران
نمونه موردی: آبادان در دوره استعمار نفتی بریتانیا

مهدی زندیه^۱، حسن حکمت^{۲*}، امین مقصودی^۳

۱. دانشیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.
۲. مربی گروه معماری، دانشکده مهندسی عمران و معماری، دانشگاه شهید چمران اهواز، ایران.
۳. پژوهشگر دکتری معماری منظر، دانشگاه تهران، ایران.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۵/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۱۴

چکیده

بیان مسئله: کشف نفت و حضور بریتانیا تحت لوای شرکت نفت بریتانیا-پارس در فرایندهای اکتشاف و استخراج نفت در منطقه جنوب غرب ایران و به طور ویژه خوزستان در ابتدای قرن بیستم میلادی، تجربه‌ای استعماری را در این منطقه رقم می‌زند که در کنار تمام جنبه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی آن، الگویی از شهرسازی استعماری را در ایران پدید می‌آورد که در آبادان به عنوان مرکز فعالیت‌های مرتبط با استعمار نفتی بریتانیا بروز می‌یابد.

هدف پژوهش: مطالعه چگونگی تأثیرات دیدگاه‌های استعماری بر ساختار شهری آبادان به عنوان نمونه‌ای از شهرسازی استعماری در بستر جغرافیایی ایران هدف اصلی پژوهش حاضر است.

روش پژوهش: این پژوهش از نوع کیفی است و با روش تحقیقی تفسیری-تاریخی تلاش می‌کند به سؤالات مطرح شده در راستای اهداف این پژوهش پاسخ دهد. روش جمع‌آوری اطلاعات در فرایند مطالعاتی، عمدتاً بر روش کتابخانه‌ای متکی است که شامل منابع نوشتاری، نظیر کتب، مقالات و همچنین منابع تصویری مانند عکس‌های تاریخی و نقشه شهرسازی می‌شود. همچنین از طرف دیگر، نویسندگان از تجربه زیستی خود در آبادان، در فرایند مطالعاتی و تحلیلی مقاله بهره گرفته‌اند.

نتیجه‌گیری: استفاده از اصول زون‌بندی شهری، کمربند سبز جداکننده در قالب اصول باغ شهر، بلوک‌بندی منظم شهری و استفاده از میادین شهری به عنوان مفصل گاه شهری از جمله اقدامات اصلی شهرسازی استعماری در آبادان بوده است که عمدتاً با هدف افزایش سطح کنترل و نظارت بر بخش‌های مختلف شهری اتخاذ شدند. همچنین این پژوهش مشخص نمود که شهر استعماری آبادان از یک طرف به مثابه شهری «پانوپتیک» (سراسرنما) و از طرف دیگر به مثابه شهری دوگانه از نظر کالبدی، فضایی-اجتماعی، اقتصادی و زیرساختی قابل تفسیر است.

واژگان کلیدی: شهرسازی استعماری، نفت، آبادان، شهر پانوپتیک، شهر دوگانه.

مقدمه

(طرفداری، ۱۳۸۷) که حضور آن‌ها در بخش‌های جنوبی ایران را به دنبال داشت؛ در این میان بریتانیا حضور خود در مناطق جنوبی و جنوب غربی ایران را تا نیمه قرن بیستم ادامه داد (همان).

در دوران معاصر و در آغاز قرن بیستم حضور استعماری بریتانیا با کشف نفت در خوزستان پیوند خورد و برای یک دوره زمانی در بین سال‌های ۱۹۰۸ تا ۱۹۵۱ میلادی (کشف نفت تا ملی شدن صنعت نفت ایران) نفت ایران تحت سلطه و کنترل دولت بریتانیا در قالب شرکت نفت بریتانیا-پارس^۳ قرار گرفت (Ehsani, 2003). این دوره که از آن به استعمار نفتی نیز یاد می‌شود، به انجام یک سری فعالیت‌های ساختمانی و شهرسازی^۴ از سوی شرکت نفت منجر شد که در نتیجه آن‌ها الگویی از شهرسازی بروز یافت که در بسیاری از موارد با «آنچه تا آن زمان به دیده معماری و شهرسازی در جامعه سنتی ایران شناخته می‌شد، از نظر تکنیک ساخت و اصول طراحی دارای تفاوت‌های چشمگیری بود» (رستم‌پور، مسافرزاده و نظیف، ۱۳۹۳). و بعدها به عنوان الگویی از تجدد و نوگرایی در شهرسازی، سایر مناطق شهری ایران را نیز تحت تأثیر قرار داد (دورتینگ، ۱۳۸۲).

شهرسازی استعماری در بستر جغرافیایی ایران مفهومی است که تاکنون کمتر در میان محققان ایرانی مورد توجه واقع شده است، حال آنکه شهرسازی نفتی- بریتانیایی پدیدآمده در خوزستان در دوران استعمار نفتی می‌تواند به عنوان نمونه‌ای ارزشمند از این الگوی شهرسازی در بستر جغرافیایی ایران در نظر گرفته شود که مطالعه و بررسی آن، به شناخت خصوصیات این نوع شهرسازی منجر شود. به همین منظور، پژوهش حاضر می‌کوشد که شهر آبادان را از این منظر مورد مطالعه قرار دهد. آبادان شهری است که اساساً بر مبنای نیازهای استعماری- نفتی بریتانیا طراحی و ساخته شد و در آن دوران نقش کلیدی را در مقایسه با سایر نقاط نفتی برای دولت بریتانیا ایفا می‌نمود (Karimi & Afshar, 2017) که به همین دلیل نیز گسترده‌ترین اقدامات شهرسازانه مرتبط با استعمار نفتی بریتانیا در منطقه خوزستان را در خود دید. در واقع آبادان به واسطهٔ احداث پالایشگاه نفت که بزرگ‌ترین سرمایه‌گذاری دولت بریتانیا در خارج از این کشور شناخته می‌شد (Crimson, 1997) از منطقه‌ای با جمعیتی بسیار کم به یکی از مهمترین مراکز تجمع نیروی انسانی در کشور بدل شد. نیازهای پدیدآمده ناشی از آن، به سازماندهی و ایجاد یک شهر منجر شد که تمامی ابعاد زیست شهری و سکونت در آن به نحوی طراحی، برنامه‌ریزی و اجرا شود که علاوه بر رفع نیازهای سکونتی، اهداف استعمار نفتی بریتانیا

براساس لغت‌نامهٔ انگلیسی آکسفورد^۱، واژهٔ استعمار (Colonialism) از ریشهٔ رومی Colonia به معنای کشتزار و زمین کشاورزی پدید آمده است و به رومیان اشاره دارد که در سرزمین‌های دیگر به زندگی و ایجاد اجتماعات می‌پرداختند، اما همچنان تابعیت خود را حفظ می‌کردند. اصطلاح استعمار در مفهومی کلی به فرایند ایجاد اجتماع در سرزمین‌هایی جدید، معنا می‌یابد که با اقدامات گسترده‌ای نظیر تجارت، سکونت، غارت کردن، مذاکره کردن، جنگ، قتل عام، کشتار، برده‌داری و اسارت همراه می‌شود (Loombia, 2015, 20). این اصطلاح در کاربرد سیاسی به طور خاص متوجه شیوه‌های رفتاری کشورهای توانمندتر از نظر سیاسی نظیر کشورهای اروپایی با سرزمین‌های استعمارزده می‌شود (Gould & Kolb, 1964). در ادبیات مارکسیست- لنینیست نیز استعمار به عنوان فرمی از استثمار یا بهره‌کشی با تأکید بر متغیرهای اقتصادی دانسته می‌شود و از طرف دیگر در ادبیات انسان‌شناسانه به عنوان یک فرایند تغییر اجتماعی- فرهنگی نگریسته می‌شود (Horvath, 1972, 46). در واقع استعمار نمونه‌ای از غلبه و تسلط بر یک منطقه است که نه توسط حکومت مرکزی بلکه توسط نیروی‌های خارجی و با اهدافی نظیر بهره‌برداری از ذخایر و ثروت‌های خدادادی، نیروی انسانی و موقعیت جغرافیایی صورت می‌گیرد که در نگاهی جامع‌تر می‌تواند به منزلهٔ بستری برای شکل‌گیری ارتباطات فرهنگی دانسته شود (King, 1974) که دارای مظاهر گوناگونی در زمینه‌های مختلفی نظیر روابط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و ... است و در پی خود الگوهای جدید انسانی و فضایی- مکانی را سبب شود؛ «شهرسازی استعماری^۲» را می‌توان نمونه‌ای از این دست الگوها دانست که در کنار جنبه‌های کالبدی مانند ساختار فضایی، فرم، اشکال شهری و الگوهای ساخت و ... معناها و مفاهیمی را نیز پدیدار می‌کند که نمایش‌دهندهٔ فرایندهای تفکری نظام استعمار به عنوان عامل قدرت و تسلط است (King, 2015).

بیان مسئله

ایران کشوری است که از نظر تاریخی هرگز به طور کامل در زیر سلطهٔ استعمار قرار نگرفت، با این حال باید به این نکته توجه نمود بخش‌هایی از ایران در دوره‌هایی بنا به حضور بیگانگان، یک دورهٔ شبه استعماری را سپری نموده‌اند. در واقع همزمان با اکتشافات جغرافیایی و توسعهٔ کشتی‌رانی در قرن شانزدهم میلادی، خلیج فارس به عنوان یک آبراه تجاری و استراتژیک مورد توجه کشورهای استعمارگر اروپایی نظیر پرتغال، هلند، فرانسه و بریتانیا قرار گرفت

از جمله کنترل ساکنان این شهر را به بهترین شکل ممکن تضمین کند.

هدف پژوهش

هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی و مطالعه چگونگی احداث و توسعه شهر آبادان در دوره استعمار نفتی بریتانیا به عنوان نمونه‌ای از شهرسازی و برنامه ریزی شهری استعماری در بستر جغرافیایی ایران است. از این رو در پژوهش حاضر تلاش شده است که الگوی شهرسازی صورت گرفته در آبادان در طی این دوران مورد مطالعه قرار گیرد و خصوصیات شهرسازانه آن از دیدگاه استعماری برجسته شود. بر همین اساس این پژوهش خواهد کوشید که به سؤالات مطرح شده در روند پژوهش پاسخ دهد:

- خصوصیات استعماری در شهرسازی و برنامه‌ریزی شهری آبادان به چه صورت بروز یافته‌اند؟
- شهر استعماری ظهور یافته در آبادان را چگونه شهری باید دانست؟

پیشینه پژوهش

شهرسازی استعماری را باید یکی از موضوعات مورد توجه محققان دانست که به آن از زوایای گوناگون و در بسترهای مختلفی پرداخته‌اند که در این میان می‌توان به تحقیقات انجام گرفته در ارتباط با ویژگی‌های شهرسازی و برنامه‌ریزی شهری استعماری؛ و تأثیرات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آن در مناطق جنوب شرق آسیا، هندوستان و کشورهای آفریقایی در دوران استعمار بریتانیا (Home, 2013; Beverley, 2011; Bigon, 2012; Metcalf, 1984 Nelson, 2007; Graebner, 2007;) دوران استعمار فرانسه (Vann, 2007; Jennings, 2007; Cooper, 2000; Celik, 1997) و همچنین دوران استعمار ایتالیا و آلمان در قاره آفریقا (Njoh & Bigon, 2015; Fuller, 1988) اشاره نمود؛ این در حالی است که در بدنه تحقیقات، تاکنون پژوهشی در زمینه شهرسازی استعماری در بستر ایران انجام نشده است. از طرف دیگر در بین محققان ایرانی نیز اساساً ارتباط مفهوم استعمار با شهرسازی زمینه‌ای مغفول مانده است اگرچه در پژوهشی کوچکیان، آیوازیان و نوروز برازجانی (۱۳۹۷) به تأثیرات فرایند استعمار در معماری مسکونی ایران پرداخته‌اند اما چارچوب مطالعاتی در این پژوهش تنها به مقیاس معماری محدود شده است. شهرسازی نفتی- بریتانیایی در خوزستان و آبادان، زمینه دیگر از پژوهش‌های مرتبط با موضوع این مقاله را تشکیل می‌دهند که توسط پژوهشگران ایرانی و غیر ایرانی صورت گرفته‌اند. احسانی (Ehsani, 2003) در پژوهشی به مطالعه آبادان و

مسجد سلیمان به عنوان نمونه‌های اولیه از شهرهای نفتی صنعتی و مدرن در دوران استعمار نفتی بریتانیا پرداخت و آن‌ها را از دیدگاه مهندسی اجتماعی مورد مطالعه قرار داد. کریسون (Crinson, 1997)، پژوهشگر بریتانیایی در مقاله‌ای شرایط و عوامل اثرگذار در طراحی و ساخت آبادان در دوران استعمار نفتی را مورد کنکاش قرار داد. هاین و صدیقی (Hein & Sedighi, 2016) در پژوهشی دیگر تأثیر نفت در پیدایش و شکل‌گیری الگوهای شهرسازی مدرن در ایران را مورد مطالعه قرار دادند و در روند پژوهشی خود به شهرهای نفتی خوزستان و به طور ویژه آبادان پرداختند. رستم‌پور، مسافرزاده و نظیف (۱۳۹۳) در مقاله خود تحول هویت اجتماعی در پی شهرسازی و معماری نوگرا در شهرهای نفتی خوزستان را به بحث گذاشتند. کریمی و افشار (Karimi & Afshar, 2017) نیز در نوشته‌ای، سبک خانه‌سازی‌های انجام شده در آبادان توسط بریتانیایی‌ها در دوران استعمار نفتی را موضوع پژوهش خود قرار دادند و از این طریق کوشیدند که به ارتباط مفاهیم استعمار و معماری در بستر آبادان بپردازند. با مروری بر ادبیات پژوهشی مرتبط با موضوع تحقیق حاضر، توجه به ابعاد استعمار در ساختار شهری شهرهای نفتی- بریتانیایی در ایران موضوعی است که تاکنون پژوهش‌های اندکی به آن پرداخته‌اند، از همین رو این مقاله خواهد کوشید که با مطالعه این جنبه در نمونه مطالعاتی شهر آبادان، حفره پژوهشی موجود در این زمینه را رفع نماید و در بدنه پژوهش‌های انجام شده در این زمینه مشارکت داشته باشد.

روش پژوهش

این پژوهش از نظر نوع، در دسته کیفی طبقه‌بندی می‌شود که براساس یک روش تحقیق تاریخی - تحلیلی و بر مبنای هدف پژوهش تلاش می‌کند به سؤال مطرح شده در روند تحقیق پاسخ دهد. با توجه به نوع تحقیق، روش جمع‌آوری اطلاعات اتخاذ شده عمدتاً مبتنی بر روش کتابخانه‌ای (اسنادی) است و منابع مورد استفاده نیز به طور کلی شامل منابع نوشتاری، نظیر کتب، مقالات و همچنین منابع تصویری مانند عکس‌های تاریخی و نقشه شهرسازی می‌شود. از طرف دیگر نویسندگان این پژوهش به واسطه حضور و زیست چندین ساله در آبادان از شناختی کامل از بستر پژوهشی موضوع برخوردارند که تلاش دارند از این شناخت نیز در روند مطالعاتی و تحلیلی خود بهره بگیرند.

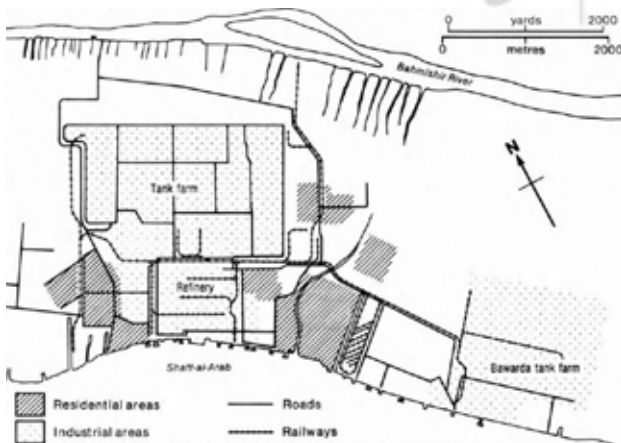
یافته‌های پژوهش

• پیدایش و شکل‌گیری آبادان

آبادان تا پیش از کشف نفت در خوزستان (سال ۱۹۰۸

شهرسازی استعماری در کشورهای مستعمره، بر پایه مهندسی اجتماعی^۶ بود (لهسانی زاده، ۱۳۸۴). در نیمه ابتدایی قرن بیستم مهندسی اجتماعی به عنوان یک کوشش علمی و مهندسی پیشتاز با هدف جلوگیری از مشکلات اجتماعی در زندگی جامعه آینده از طریق تجزیه و تحلیل واقعیات کالبدی و سپس تهیه طرح و نقشه‌هایی در کنار برنامه‌ریزی فیزیکی و شهرسازی مورد توجه قرار گرفت (حاج یوسفی، ۱۳۹۴)؛ و عمدتاً توسط نیروهای استعماری به کار گرفته می‌شد (Ehsani, 2003). براساس همین دیدگاه نیز در دهه ۱۹۳۰ میلادی شرکت نفت تهیه طرح جامع شهری آبادان را به یک معمار بریتانیایی در استخدام شرکت نفت به نام «جیمز میسون ویلسون^۷» سپرد. این طرح را که شاید بتوان آن را در زمره اولین نمونه‌های طراحی شهری مدرن در ایران قرار داد شامل محله‌های مسکونی برای کارمندان، خدمه و کارگران پالایشگاه و همچنین تسهیلات و فضاهای شهری نظیر بیمارستان‌ها، مدارس، رستوران‌ها، باشگاه‌ها و زمین‌های ورزشی می‌شد (Hein & Sedighi, 2016) که عموماً براساس الگوبرداری از مؤلفه‌های طراحی و برنامه‌ریزی شهرهای استعماری طراحی شد. شهرسازی استعماری در واقع فرمی تاریخی از تولید فضا در راستای تأمین سلطه نیروی‌های استعماری است که با سازمان‌دهی محیطی به عنوان بخشی از ماشین بهره‌برداری استعمار عمل می‌نمود و جریان انتقال منابع و مواد خام را از نواحی تحت استعمار به کشورهای استعمارگر فراهم می‌آورد (Hugill, 2017). به عبارت دیگر شهرسازی استعماری اقدامی است به منظور ایجاد چارچوب‌های سیاسی و اداری تضمین‌کننده منافع اقتصادی استعمار

(میلادی)، به عنوان یک جزیره آرام شناخته می‌شد که توسط نخلستان‌ها و رودخانه‌هایی^۵ در پیرامونش احاطه شده بود (حسن‌نیا و سلیمی، ۱۳۹۰). «جمعیت این منطقه عمدتاً از طوایف عرب تشکیل شده بود که به پیشه دامداری و یا نخل‌داری مشغول بودند. این جمعیت در سطح جزیره و در چندین روستا به صورت پراکنده زندگی می‌کردند و در هیچ نقطه‌ای از این منطقه تراکم جمعیتی به صورت شهری به چشم نمی‌خورد» (Ehsani, 2003, 372) (تصویر ۱). با ورود لوله‌های نفت و احداث تجهیزات، ساختمان‌ها و مخازن پالایشگاه، و همچنین ساخت سکونتگاه‌هایی در نزدیکی پالایشگاه و مرکزیت آن، آبادان تدریجاً به محل تمرکز نیروی انسانی بدل شد (حسن‌نیا و سلیمی، ۱۳۹۰) و سنگ بنای آنچه امروز از آن به عنوان شهر آبادان یاد می‌شود، بنیان نهاده شد (Zagagi, 2016). با توسعه فعالیت‌های نفتی و گسترش پالایشگاه و هجوم جمعیت ایرانی متقاضی کار در دهه ۱۹۲۰ میلادی، آبادان از نظر جمعیتی و فضایی با شدت زیادی توسعه یافت (تصویر ۲) که در نتیجه آن، نیاز به ساماندهی فضاهای شهری باعث شد شرکت نفت با انجام مجموعه‌ای از اقدامات شهرسازانه آبادان را از نظر ساختاری و فیزیکی براساس نیازهای خود شکل دهد (Zagagi, 2020). برای ساخت آبادان شرکت نفت تلاش نمود تا ایده‌ها و اصول طراحی شهری و شهرسازی مدرن را به کار گیرد (Moeini & Badiee, 2020) تا با بهره‌گیری از آن‌ها به عنوان ابزارهای شکل‌دهنده زمین، نحوه سکونت و اجتماع‌سازی مطلوب خود را صورت دهد (Sarkhosh, 2018). تصویر ایده‌آلی که شرکت نفت برای شهر تازه تأسیس آبادان در نظر داشت در واقع طراحی و ایجاد یک شهرک صنعتی بر اساس الگوبرداری از تجربیات



تصویر ۲. آبادان در دهه ۱۹۳۰ میلادی، تا پیش از طرح جامع ویلسون. مأخذ: Seccombe & Lawless, 1987



تصویر ۱. منظر جزیره آبادان تا پیش از حضور شرکت نفت، سال ۱۹۰۹ میلادی، مأخذ: Ferrier, 1982

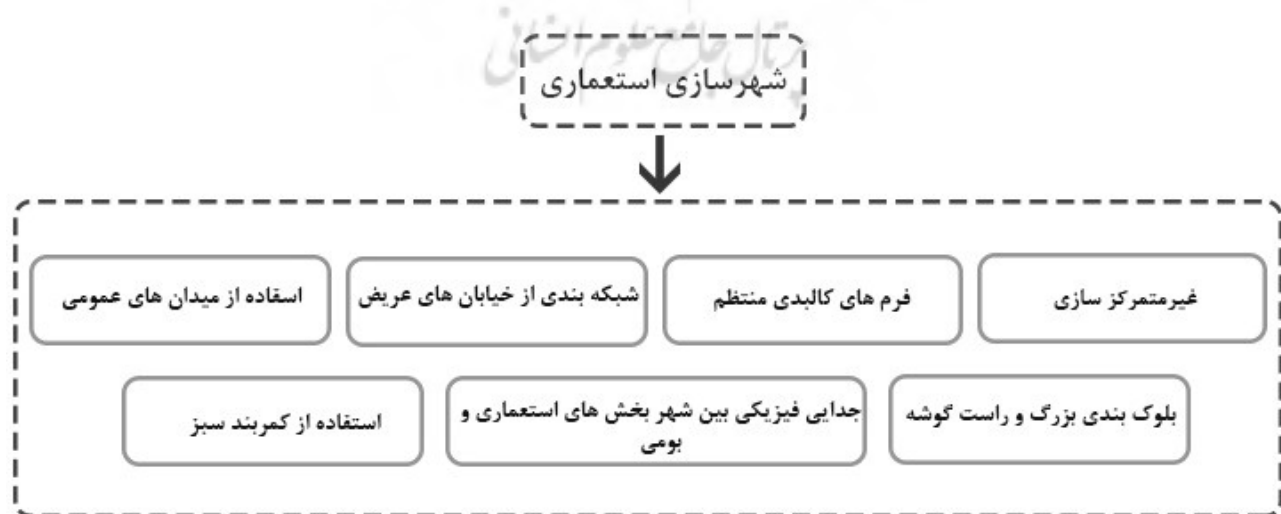
اجتماعی استعماری ۴- اطمینان‌سازی از تفکیک سکونتی جوامع استعماری و تحت استعمار ۵- آزمایش جدیدترین تکنیک‌ها و تئوری‌های برنامه‌ریزی شهری (Njoh, 2004). این مشخصه‌ها نیز در طراحی و شهرسازی استعماری معمولاً در قالب اقداماتی نظیر غیر متمرکزسازی ساختار شهری، ایجاد فرم کالبدی مستقیم الخط، طرح شبکه‌ای از خیابان‌های عریض، استفاده از میدان‌های عمومی^۸، بخش‌بندی بلاک‌های خیابانی شبکه شهری به طرح‌های بزرگ و راست گوشه، استفاده از کمربند سبز^۹، جدایی فیزیکی شهرهای استعماری و شهرهای بومی^{۱۰} تجلی می‌یافتند (Home, 2013) (تصویر ۳).

• اقدامات متأثر از شهرسازی استعماری در آبادان

- استفاده از زون بندی^{۱۱} شهری

در طرح ویلسون برای آبادان، ساختار فضایی شهر از زون‌هایی تفکیک‌شده و مجزا از یکدیگر در پیرامون پالایشگاه به عنوان هسته مرکزی شهر پی‌ریزی شد که به وسیله زمین‌های بایر از یکدیگر جدا و در فاصله‌ای از یکدیگر مکان‌یابی می‌شدند. در واقع ویلسون با استفاده از استراتژی زون‌بندی یک هدف عمده را دنبال می‌نمود، که آن جداسازی اجتماعات شهری براساس یک نظام سلسله‌مراتبی متشکل از رتبه و نژاد بود. ویلسون در واقع به مانند شهرهای استعماری بر عدم تمرکزگرایی ساختاری شهری تأکید داشت به همین دلیل نیز در طرح خود سه زون اصلی جدا از هم را پیشنهاد داد، این زون‌ها عبارت بودند از منطقه بریم در غرب پالایشگاه که مدیران و کارمندان رده بالای بریتانیایی و اروپایی در آنجا سکونت می‌گزیدند (زون مدیران)، بوارده در شرق آبادان که به

که در نتیجه آن محیط فیزیکی به مانند دیگر زمینه‌ها در مراکز استعماری نظیر فرهنگ، اجتماع و اقتصاد دچار تغییرات قابل توجهی می‌شود تا با بهره‌برداری استعماری منطبق شود (Bigon, 2009). شهرهای استعماری عموماً در نیمه دوم قرن نوزدهم و ابتدای قرن بیستم میلادی با بهره‌گیری از ایده‌های نوین شهرسازی و برنامه‌ریزی نظیر کانسپت باغ شهر ابنزر هاوارد (Ebenezer Howard) طراحی شدند. در طراحی این شهرها عموماً تلاش می‌شد که براساس تجسم بخشیدن به تقسیم‌بندی سلسله‌مراتبی در فضای شهری، نواحی مسکونی استعماری به مانند محله‌های اروپایی از خیابان‌های عریض، با ردیف درختان و خانه‌هایی بزرگ و محاط در باغ‌ها طراحی شوند و به وسیله زمین‌های سبز و گسترده از سایر نواحی شهری جدا شوند (Njoh, 2004). از طرف دیگر شهرهای استعماری معمولاً از نظر ساختاری، منظم و براساس پلان‌هایی راست گوشه ایجاد می‌شدند. این ساختار هندسی منظم در ضمن تسهیل نمودن ساماندهی سکونت‌گاه‌ها در واقع تلاشی برای توسعه مدرنیزاسیون در مقابل اقدامات سنتی جوامع بومی به منظور تحمیل نظم‌های اخلاقی و فیزیکی استعمار بر منظر و جمعیت مورد هدف در فرایند استعمار بود. همچنین این ساختارهای شهری نمایشی بودند از قدرت استعمار که در آن شکل و فرم زمین به واسطه اجرای طرح‌های منظم تغییر می‌یافتند (Bigon, 2009). به طور کلی برنامه‌ریزی شهری استعماری را می‌توان در مشخصه مشترکی تعریف نمود: ۱- ارتقا و توسعه اهداف استعماری ۲- مدرن‌سازی فضایی، فیزیکی و سیستم‌های اجتماعی سکونتگاه‌های انسانی ۳- واردسازی ارزش‌های فرهنگی و

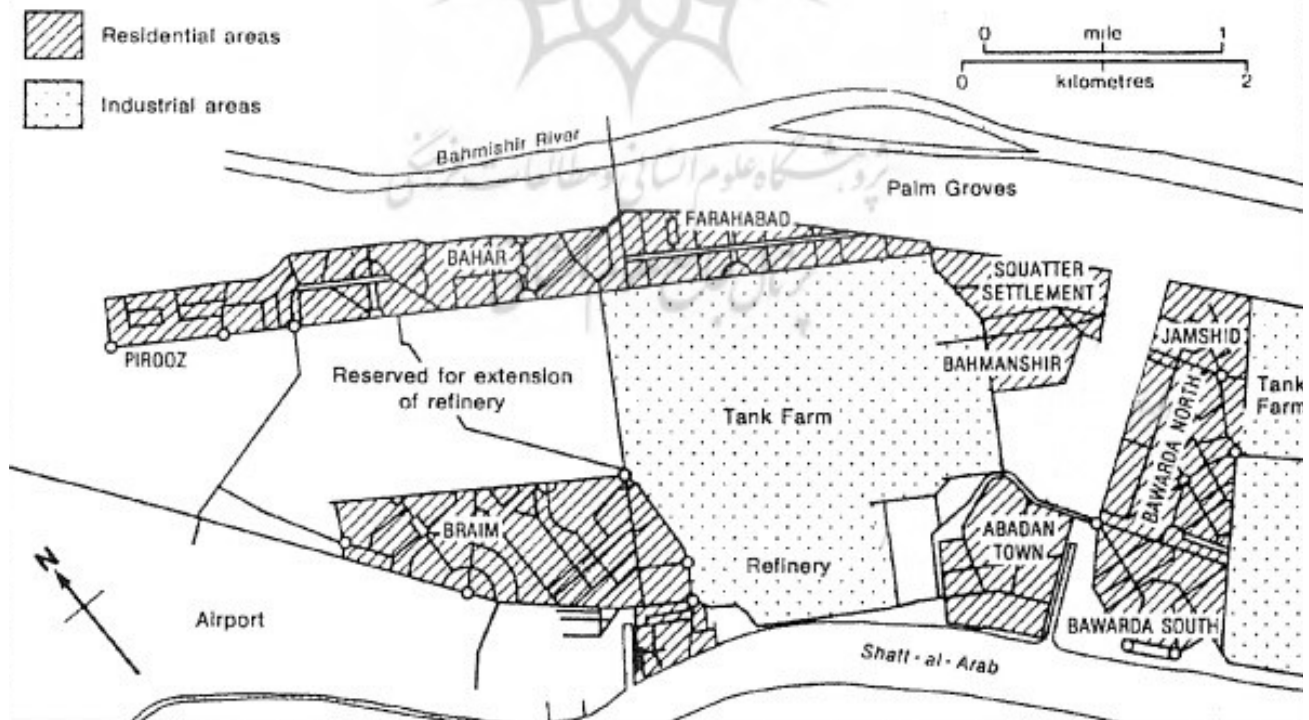


تصویر ۳. اقدامات شهرسازی استعماری براساس مشخصات طرح‌های برنامه‌ریزی شهری استعماری. مأخذ: نگارندگان.

یکی از معضلاتی که شرکت نفت از بدو تأسیس و توسعه پالایشگاه در آبادان با آن مواجه شد، حضور جمعیتی از ایرانیان متقاضی کار بود که با عنوان جمعیت غیرشرکتی شناخته می‌شدند. جمعیت غیر شرکتی اصطلاحی بود که در برابر جمعیت شرکتی معنا می‌یافت و به گروهی اشاره داشت که عمدتاً از کسبه‌های کوچک، افراد بی‌خانمان و جویای شغل تشکیل می‌شدند. این جمعیت معمولاً در مجاورت شهرک‌های شرکتی به صورت خودسازماندهی شده استقرار می‌یافتند و به انجام برخی از خدمات غیر تخصصی می‌پرداختند (Porteous, 1970, 135). در آبادان نیز که به عبارتی یک شهرک شرکتی بود، از ابتدا این جمعیت در مجاورت جنوب شرقی پالایشگاه در قسمتی عمدتاً متشکل از کپر‌ها، خانه‌های حصیری، گلی و آجری، ایجاد شده به وسیله خودشان، سکونت گزیدند. شرکت نفت تا پیش از طرح جامع آبادان همواره تلاش می‌کرد که این قسمت را که در گویش ساکنانش با عنوان «شهر» شناخته می‌شد را از سایر بخش‌ها جدا نگه دارد برای همین منظور نیز کانال‌هایی را بین «شهر» و مؤسسات خود حفر کرد تا از این طریق دسترسی ساکنان «شهر» را محدود نماید (لهستانی‌زاده، ۱۳۸۴). براساس همین دیدگاه ویلسون در

کارمندان رده میانی شرکت اختصاص یافته بود (زون کارمندان) و سایر زون‌ها نظیر بهار، فرح آباد و بهمنشیر و پیروز در شمال که برای کارگران رده پایین در نظر گرفته شدند (زون کارگران) (Crimson, 1997, 351). «ویلسون» برای هر یک از این مناطق، امکانات و فضاهای جمعی مستقلی نظیر فروشگاه مواد غذایی، باشگاه، زمین ورزشی و غیره را پیشنهاد داد (بی‌نا، ۱۳۲۶) (تصویر ۴) و تلاش کرد که محلات را به گونه‌ای کاملاً متکی به خود طراحی نماید و از این طریق، ارتباط و وابستگی بین محلات را به کمترین میزان ممکن برساند. نکته‌ای که بایستی به آن توجه نمود تفاوت کیفیت و شرایط زندگی در هر یک از این زون‌هاست به گونه‌ای که محله بریم، مکان سکونت مدیران رده بالای بریتانیایی شرکت نفت و همچنین محله بوارده که عمدتاً برای سکونت کارمندان رده میانی با نژاد اروپایی شرکت در نظر گرفته شدند با خانه‌هایی به سبک بانگالو و استانداردهای رفاهی بالاتر طراحی شدند در حالی که محلات کارگرنشین با حداقل تسهیلات و با خانه‌هایی به سبک ردیفی^{۱۴} (دو اتاقی) عمدتاً در شمال پالایشگاه توسعه یافتند.

- ایجاد کمربند سبز جداکننده



تصویر ۴. تصویری از طرح جامع آبادان برای بخش‌های شرکتی توسط ویلسون در دهه ۱۹۳۰. مأخذ: Seccombe & Lawless, 1987.

طراح یکی از مشخصه‌های اصلی شهرسازی استعماری است که به منظور نمایش و بیانی نمادین از قدرت نظم‌دهنده استعمار در کشورهای مستعمره به کار گرفته می‌شد (Crinson, 1997). در آبادان نیز طراحی منتظم شهری در واقع منعکس‌کننده دیدگاه شرکت نفت مبنی بر ساخت آمرانه فضای شهری تحت سلطه خود و براساس خواست یک طرفه این نهاد عظیم اقتصادی و سرمایه‌ای در شکل‌دهی به زمین و منظر شهر بود که در قالب طرح شهری ویلسون تبلور یافت (Ehsani, 2003). به عبارت دیگر شرکت نفت به عنوان پدیدآورنده شهر، فضاهای شهری را به چشم بخشی از زیرمجموعه تحت سلطه و مدیریت خود می‌نگریست که علاوه بر تأمین نیازهای نیروهای کار مرتبط با فعالیت‌های استعماری‌اش، به سان یک مجموعه باشکوه، نمایش‌دهنده و جلوه‌ای از قدرتش به عنوان یک بنیاد مالی کلان نیز باشد و از آن در تبلیغات جهانی خود برای کسب اعتبار بین‌المللی بهره برد. همان‌گونه که بعدها نیز در فیلم مستندی در اواخر دهه ۱۹۴۰ میلادی تحت عنوان Persian Story و به سفارش شرکت نفت، این کوشش صورت گرفت تا با نمایش جلوه‌های جذاب از شهر مدرن احداث‌شده در آبادان به نقش شرکت نفت در پیدایش یک شهر تأکید شود (Damluji, 2013b).

- استفاده از میادین به عنوان مفصل‌گاه شهری همان‌طور که پیشتر بیان شد، در طرح آبادان، محله‌های شرکتی در فاصله‌ای از یکدیگر احداث شدند، به نحوی امکان دسترسی پیاده بین آن‌ها اساساً امکان‌پذیر نبود،

طرح خود تلاش کرد به گونه‌ای دیگر، بخش‌های شرکتی جدیدالاحداث را با راهکاری معمارانه از دسترس جمعیت غیرشرکتی دور نگاه دارد، از همین رو در پیرامون تمامی زون‌های شرکتی مطابق با اصول شهرک‌سازی استعماری از کمربند سبز استفاده نمود تا از این طریق ارتباط و دسترسی ایرانیان بومی را محدود و کنترل نماید. این کمربند سبز که به صورت لبه‌هایی سبز در نظر گرفته شدند درواقع بخشی از اصول شهرسازی مرتبط با ایده باغ شهر^{۱۳} بودند که ویلسون در طراحی زون‌های شرکتی کوشید بر آن تکیه کند تا از این طریق هم مرزی در پیرامون زون‌ها ایجاد نماید و هم با بهره‌بردن از فضاهای سبز به وجود آمده در طراحی خود شرایط اقلیمی سخت منطقه را معتدل نماید و یک اتمسفر راحت و مطلوب را برای کارمندان عمدتاً اروپایی فراهم آورد (Damluji, 2013a, 56).

- طراحی منتظم ساختار شهری

طراحی شهری آبادان متأثر از جریان‌های فکری مدرنیستی در معماری و شهرسازی در نیمه ابتدایی قرن بیستم به صورت الگوهای انتزاع‌گرایانه منتظم شهری بروز یافت. فرم‌های کالبدی مستقیم‌الخط، بخش‌بندی منتظم بلاک‌های شهری به طرح‌های بزرگ و راست‌گوشه، شبکه‌ای و شعاعی عموماً از خصوصیات اصلی طرح ویلسون برای آبادان بود که عمدتاً در ترکیب با ایده‌های سازماندهی کلاسیک نظیر تقارن، تناسب پرسپکتیوهای بی‌نهایت، سلسله مراتب و ... مورد استفاده قرار گرفت (تصویر ۵). این الگوی طراحی شهری پدیدآمده براساس ترجیحات شخصی برنامه‌ریز و



تصویر ۵. تصویر هوایی از ورودی زون بواره نشان‌دهنده الگوی هندسی طراحی شهری است. مأخذ: بی نام، ۱۳۲۶.

از همین رو این محلات از طریق جاده‌هایی با یکدیگر مرتبط می‌شدند. ویلسون ورودی هریک از محلات را در طراحی خود به وسیله یک میدان شهری برجسته نمود که در ساختار فضایی شهری آبادان نقش کلیدی را بر عهده داشتند. نخست آنکه این میدان‌ها به صورت گلوگاهی در شبکه ارتباطی میان نواحی مختلف شهر عمل می‌کردند. به عبارت دیگر شبکه راه‌های دسترسی درون محلات ابتدا به این میدان‌ها منتهی می‌شد و سپس از طریق این میدان و راه‌های ارتباطی بین زون‌ها، به نواحی دیگر اتصال می‌یافتند (مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، ۱۳۵۳). از این رو میادین به صورت گره‌های ارتباطی بین محلات و راه‌های مواصلاتی بین آن‌ها در نظر گرفته شدند که دسترسی

سلسله مراتبی را به درون محلات مهیا می‌کردند. از طرف دیگر این میدان‌ها به واسطه نقشی که در ساختار شهری ایفا می‌کردند از این قابلیت برخوردار بودند که به عنوان ابزاری برای کنترل تعاملات شهری به کار گرفته شوند و امکان نظارت بر آمد و شد بین محلات را تسهیل کنند؛ زیرا با توجه با سازماندهی شهری این میادین به مثابه مفصل‌گاه‌هایی بین بخش‌های مختلف شهری بودند. از همین رو در نزدیکی این میادین پست‌های نگهبانی (در ورودی زون‌های بریم و بوارده) و یا ایستگاه‌های پلیس (در ورودی زون‌های کارگرنشین) مکان‌یابی و احداث شدند تا کنترل عبور و مرور بین محلات فراهم شود (همان). علاوه بر آن این میدان‌ها به عنوان نقاط برجسته شهری

از همین رو این محلات از طریق جاده‌هایی با یکدیگر مرتبط می‌شدند. ویلسون ورودی هریک از محلات را در طراحی خود به وسیله یک میدان شهری برجسته نمود که در ساختار فضایی شهری آبادان نقش کلیدی را بر عهده داشتند. نخست آنکه این میدان‌ها به صورت گلوگاهی در شبکه ارتباطی میان نواحی مختلف شهر عمل می‌کردند. به عبارت دیگر شبکه راه‌های دسترسی درون محلات ابتدا به این میدان‌ها منتهی می‌شد و سپس از طریق این میدان و راه‌های ارتباطی بین زون‌ها، به نواحی دیگر اتصال می‌یافتند (مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، ۱۳۵۳). از این رو میادین به صورت گره‌های ارتباطی بین محلات و راه‌های مواصلاتی بین آن‌ها در نظر گرفته شدند که دسترسی



تصویر ۶. تصویری هوایی از زون بوارده و نمونه‌ای از میدان‌های شهری. مأخذ: بی نام، ۱۳۲۶.



تصویر ۷. اقدامات شهرسازانه انجام گرفته در آبادان براساس الگوی شهرسازی استعماری. مأخذ: نگارندگان.

خوانایی بیشتری را به ساختار شهری می‌بخشیدند و به سازماندهی هرچه بیشتر فضاهای شهری کمک می‌کردند (تصویر ۶ و ۷).

بحث: آبادان چگونه شهری بود؟

• شهر پانوپتیک (شهر سراسربین)

با بررسی عمیق‌تر و موشکافانه ساختار شهری پدیدآمده در آبادان به این حقیقت تلخ دست می‌یابیم که طراحی و برنامه‌ریزی فضایی صورت‌گرفته در این شهر هدفی متفاوت و بیش از رفع نیازهای مرتبط با زیست شهری را دنبال می‌کند. هدفی آنچنان مهم که طراحان و بناکنندگان این شهر در جهت نیل به آن حتی در مواردی مسائل زیست محیطی و صرفه اقتصادی را نادیده گرفته‌اند. به عنوان مثال در طرح جامع شهری آبادان مناطقی که در سمت شرق پالایشگاه مکان‌یابی شدند، نظیر بوارده و بهمنشیر اکثر اوقات و در هنگام وزش بادهای غالب از سمت غرب آبادان در معرض دود، بخارهای سمی ناشی از فعالیت پالایشگاه واقع می‌شدند که این موضوع برای ساکنان این محلات مشکلات عدیده‌ای را به وجود می‌آورد. همچنین از طرف دیگر توزیع این زون‌ها اساساً بدون در نظر گرفتن مسائل مرتبط با هزینه‌های اجرایی تجهیزات و زیرساخت‌های شهری انجام شده بود زیرا پراکندگی و فاصله این زون‌ها از یکدیگر، از نظر اقتصادی مقرون به صرفه نبوده است، علی‌رغم اینکه ساماندهی متمرکز و توسعه شهری به هم پیوسته، قاعدتاً می‌توانست برای شرکت نفت هزینه‌های به مراتب کمتری را داشته باشد (همان). لیکن این طرح از دیدگاه شرکت نفت، طرحی ایده‌آل انگاشته شد؛ زیرا این امکان را میسر می‌نمود تا ساختار فضایی مطلوب شرکت نفت مبنی بر جداسازی مدیران و کارمندان بریتانیایی-اروپایی از کارگران ایرانی-غیراروپایی و جمعیت غیرشرکتی براساس یک سلسله مراتب نژادی تسهیل شود. این تفکر جداسازی اجتماعی، متأثر از حس برتری و تفوق نژادی، افراد بریتانیایی و اروپایی را دارای ارزش اجتماعی بالاتری می‌دانست که باید در زون‌های تفکیک شده اسکان داده شوند (ندیم و حبیبی‌نژاد، ۱۳۹۵) و فضاهای زیستی آن‌ها از نظر نوع طراحی و ابعاد منازل و همچنین نوع فضاهای تفریحی با استاندارد بالاتری تعریف و کوشیده شود از طریق کاهش ارتباط دیگر گروه‌های جمعیتی، محیطی اختصاصی برای این گروه فراهم شود. از همین رو به نظر می‌رسد که الگوی سازمان‌دهی آبادان بیش از آنکه پاسخی به ملزومات شهرسازانه باشد، زاینده تفکرات استعمارانه است که عمدتاً مبتنی بر تفکیک مکانی و جداسازی اجتماعی، نظارت بر ارتباطات و جلوگیری از ایجاد تعاملات بوده

است (دورتینگ، ۱۳۸۲، ۲۰۲). شاید بهترین تفسیری که بتوان از این شهر داشت شهر پانوپتیک^{۱۴} باشد. شهر پانوپتیک (شهر سراسربین)، مفهومی است که از اندیشه‌های «میشل فوکو»^{۱۵} فیلسوف فرانسوی در باب مفهوم قدرت و شیوه‌های اعمال آن بر جامعه با هدف کنترل و نظارت رفتارهای اجتماعی نشأت می‌گیرد و در ارتباط با نظریه وی درباره معماری پانوپتیکن پدید آمد. پانوپتیکن که در واقع الگویی ایجادشده برای سازماندهی ساختار فضایی معماری زندان بود توسط فوکو به عنوان وسیله و مدلی برای تفسیر و تحلیل چگونگی روابط نهادینه‌شده از سوی قدرت در ساختار اجتماعی جوامع مدرن، به کار گرفته شد (Dovey, 2002). فوکو بر این باور بود که قدرت حاکم بر یک جامعه همواره تلاش می‌کند ساختارهای منضبط اجتماعی را تولید کند و میزان نظارت را بر جامعه تحت سلطه خود افزایش دهند. شهر پانوپتیک نیز به عبارتی از توسعه مفهوم پانوپتیکن در ارتباط با فضاهای عمومی، مراکز شهری و حتی ساختار شهر از طریق ایجاد الگوهای شهرسازانه به واسطه ابزارهایی نظیر طراحی، برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری و ... با هدف ایجاد ساختارهای شهری و فضایی کنترل‌شده و کنترل‌کننده اجتماع و حفظ نظم عمومی جامعه در راستای تضمین قدرت پدید آمد (Tiesdell & Oc, 1998). در واقع شهر پانوپتیک برآمده از اقداماتی دانسته می‌شود که در سطحی بالاتر از مسائل شهرسازانه به گونه‌ای متأثر از دیدگاه‌های کنترلی، نظارتی و جداسازی اجتماعی با هدف عدم تمرکزگرایی و مدیریت تعاملات و ارتباط بین شهروندان شهر است (تصویر ۸). در آبادان نیز اقدامات شهرسازی که پیشتر در راستای الگوی استعماری بحث شدند، نظیر زون‌بندی شهری، عدم پیوستگی در ساختار شهری از طریق ایجاد فاصله بین بخش‌های مختلف شهری، احداث کمربند سبز پیرامون زون‌ها با هدف محدود کردن دسترسی بین زون‌ها و همچنین تعریف میدانی شهری به عنوان نقاط کنترلی فضاهای شهری؛ همگی به منظور تفکیک، جداکردن، کنترل و نظارت بر تعاملات جمعیت ساکن در آبادان که از نظر نژادی و رتبه اجتماعی ناهمگون بودند به کار گرفته شدند تا در راستای فعالیت‌های شرکت نفت، شهر و روابط پدیدآمده در آن به گونه‌ای تنظیم شود که ضمن ایجاد یک اجتماع دستوری، با اولویت قراردادن طبقه مدیران و کارمندان رده بالای شرکت نفت و تأمین تسهیلات و نیازهای زندگی آن‌ها که در اینجا نقش قدرت حاکم در بستر جغرافیایی یک کشور دیگر را ایفا می‌نمودند، ملزومات یک زیست شهری نیز فراهم شود.

• شهر دوگانه

آبادان به واسطه فرصت‌های شغلی فراوان ناشی از

وارد به آبادان بنا شدند» (ibid., 392) (تصویر ۱۰) که در پی آن تدریجاً به دلیل توسعه جمعیتی و فضایی از مدیریت شرکت نفت خارج شدند؛ زیرا اساساً دیگر شرکت نفت قادر نبود این جمعیت فزاینده را کنترل کند. با توسعه محلات غیررسمی یا غیرشرکتی، در کنار نواحی شرکتی، آبادان به دو بخش متفاوت از یکدیگر تبدیل شد و به مرور آن را به دو شهر متضاد از یکدیگر تقسیم نمودند که در مجاورت یکدیگر واقع بودند: «یک شهر «رسمی» یا «شرکتی» که در اختیار شرکت نفت قرار داشت و ساکنانش از مسکن مطلوب، شرایط بهداشتی و رفاهی مناسب و زیرساخت‌های زندگی مدرن بهره می‌بردند و دیگری شهری «غیررسمی» یا «غیرشرکتی» که ساکنانش در فقر مفرط از فلاکت و شرایط غیر بهداشتی رنج می‌بردند و شرکت نفت هیچ مسئولیتی در قبال آن نداشت» (Zagagi, 2020, 3) (تصویر ۱۱).

این ویژگی‌های متضاد در محیط شهری، آبادان را به یک شهر دوگانه^{۱۶} بدل نمود. شهر دوگانه در واقع مفهومی است که به تضاد عمیق اجتماعی در ساختار یک شهر اشاره دارد و در آن ساکنان، به واسطه جنبه‌های اقتصادی، نژادی، قومی و سیاسی در دو طبقه جدا از یکدیگر قرار می‌گیرند، در محله‌های متفاوتی از یکدیگر سکونت می‌گزینند و سیستم‌های اجتماعی، فضایی و کالبدی متفاوتی را نیز تولید می‌کنند؛ در حالی که جمعیتی میانه به عنوان پیوندزنده این دو طبقه در ساختار شهری وجود ندارد. از همین رو به جای یک شهر واحد، اصطلاحاً دو شهر پدید می‌آید که جدا از یکدیگرند؛ یکی شهر ناامیدی و فقر، یکی شهر امید و شکوه که فقط به تعداد چند بلوک و یا

فعالیت‌های صنعت نفت پس از پیدایش پالایشگاه به مقصدی جذاب برای بسیاری از ایرانیان به منظور مهاجرت شغلی بدل شد، که در نتیجه این روند مهاجرتی در مدتی کوتاه، آبادان به یکی از شهرهای پرجمعیت کشور تبدیل شد (Ehsani, 2003). از زمان شکل‌گیری پالایشگاه و هسته‌های اولیه سکونتی در کنار فضاها متعلق به شرکت نفت، در آبادان گونه‌ای دیگر از فضاها شهری ظهور یافت و همان‌طور که پیش‌تر بیان شد از آن با عنوان «شهر» یاد می‌شد. در واقع مهاجرین به آبادان از آنجایی که به فضای سکونتی رسمی مشابه آنچه شرکت نفت برای نیروی انسانی خود به وجود آورده بود، دسترسی نداشتند ناچار بودند که در «شهر» مستقر شوند برای این منظور سکونت‌گاه‌های زاغه‌ای شکل که عمدتاً با استفاده از مصالح در دسترس و فاقد کیفیت بود را بنا نهادند (تصویر ۹) و شرکت نفت نیز همواره می‌کوشید تا این جمعیت را در کنترل و مدیریت خود داشته باشد و در دوره‌های گوناگون نیز با روش‌های مختلف این هدف را دنبال کرد.

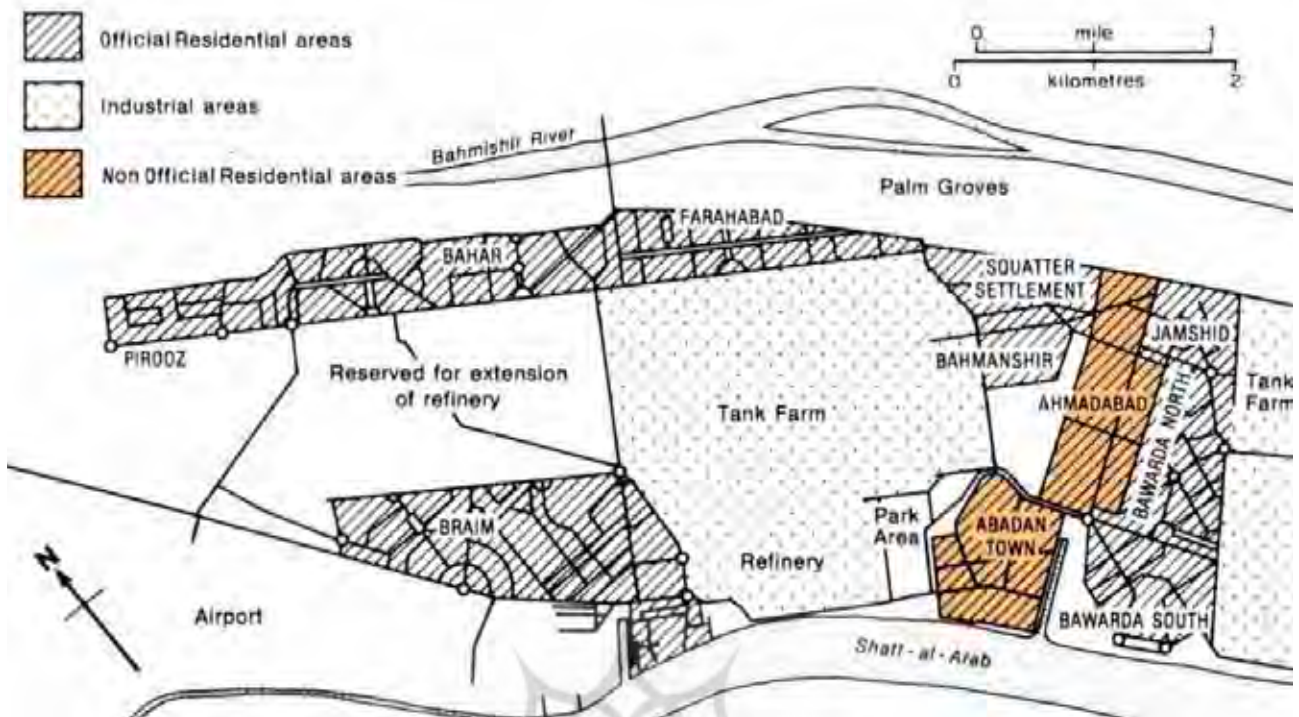
با رشد جمعیت مهاجر جوایی کار و کمبود فضای سکونتی، جمعیت غیرشرکتی به دنبال ایجاد سرپناه به خارج از محدوده «شهر» کنترل‌شده، نقل مکان نمودند و بخشی از زمین‌هایی که در برنامه‌ریزی شهری آبادان به عنوان زمین‌های بایر برای جداسازی زون‌های شرکتی در نظر گرفته شده بودند را تصرف کردند و در نتیجه ناحیه‌های شهری جدیدی را به وجود آوردند، از همین رو پس از احداث مناطق شرکتی، «محلات زاغه‌نشین یا غیر متعارف جدیدی مثل احمدآباد، حلبی‌آباد، کارون و ابوالحسن به سرعت در جوار محلات شرکتی توسط مهاجرین و افراد تازه



تصویر ۹. ساکنان غیر شرکتی در آبادان در سکونت‌گاه‌های غیر رسمی. مأخذ: Bamberg, 1994.



تصویر ۸. خصوصیات شهر پانوپتیک پدید آمده در آبادان در نتیجه شهرسازی استعماری. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۱۰. محلات مسکونی شرکتی و غیرشرکتی آبادان، دهه ۱۹۶۰ میلادی. مأخذ: Seccombe & Lawless, 1987.

دوگانگی پدیدآمده در آبادان علاوه بر تضاد کالبدی، فضاهای اجتماعی متضادی را نیز سبب می‌شود. در شهر شرکتی، فضاهای اجتماعی در مکان‌هایی لوکس نظیر خیابان‌ها، فروشگاه‌ها، باشگاه‌ها، سینماها، کافه تریا و کلوب‌های شبانه تعریف می‌شدند که تنها مختص کارکنان شرکت نفت و خانواده آنان بود و افراد غیرشرکتی اجازه حضور در آن‌ها را نداشتند. در این فضاها جریان زندگی شهری منظم و سازمان یافته بود در حالی که در شهر غیر شرکتی کوچه، بازار، قهوه‌خانه‌ها و مغازه و دکان‌ها به وجود آورنده فضاهای اجتماعی بودند که حضور در آن‌ها آزادانه و بدون محدودیت طبقات اجتماعی و قومی و نژادی صورت می‌گرفت و در جهت ایجاد نظم از قوانین خاصی پیروی نمی‌کرد و از سوی شرکت نفت نیز هیچ نظارتی بر آن‌ها اعمال نمی‌شد. از همین رو همواره مملو از رهگذران بود و در این مکان‌ها، زندگی شهری علاوه بر پویایی، بی‌نظمی و اغتشاش همراه بود (Ehsani, 2003). این تضاد ناشی از فضاهای اجتماعی شرکتی و غیر شرکتی در کنار یکدیگر و روابط تولیدشده در آن‌ها دو الگوی اجتماعی نامتوازن برای آبادان ایجاد نمودند. بخشی از شهر که تحت مدیریت، اختیار و کنترل شرکت نفت قرار داشت، اجتماعی «شرکتی» را پدید آورد که از فضاهای زیستی، اجتماعی، تسهیلات رفاهی و سبک زندگی لوکس‌تری برخوردار بود.

خیابان از یکدیگر فاصله دارند (Van Kempen, 1994). در آبادان نیز شهر دو گانه از حضور دو گروه جمعیتی متفاوت «شرکتی» و «غیرشرکتی» به واسطه حضور اقتصادی-استعماری شرکت نفت بروز می‌یابد که در نتیجه آن، دو الگوی متضاد شهری از نظر کالبدی و فضایی-اجتماعی، اقتصادی و زیرساختی را نیز سبب می‌شود.

- تضاد کالبدی

شهر «شرکتی»^{۱۷} در آبادان براساس اصول شهرسازی مدرن و متأثر از افکار استعماری نظیر زون‌بندی، خیابان‌کشی و بلوک‌بندی منظم، ایجاد میدان، توجه به فضای سبز و با استفاده از معماری، مصالح و روش‌های ساخت جدید احداث شد که برای بخشی از آبادان یک بافت شهری مدرن طراحی شده با ساختاری منظم را به وجود آورد، این در حالی بود که شهر «غیرشرکتی» به گونه‌ای دیگر به صورت خودجوش و برنامه‌ریزی نشده و با استفاده از یک معماری «بومی» و مصالحی نظیر گل، خشت، نی و برگ خرما با بافتی نامنظم و ارگانیک و توسط ساکنانش شکل و توسعه یافت. این تضاد در تصاویر هوایی موجود از آبادان پس از اجرای طرح جامع در دهه ۱۹۴۰ میلادی به خوبی مشخص بوده و در واقع نمود کالبدی از دوگانگی شهر آبادان است (تصویر ۱۲).

- تضاد فضایی-اجتماعی

فعالیت‌های وابسته به صنعت نفت تعریف می‌شود. در واقع فرایندهای اقتصادی در این بخش از شهر برآمده از مجموعه‌ای از واحدهای مرتبط با تولید محصولات نفتی است که عموماً به خارج از کشور صادرات می‌شدند. این چرخه اقتصاد به واسطه پشتیبانی شرکت نفت به تدریج توسعه می‌یابد و سبب می‌شود که شهر در بخش شرکتی بر پایه اقتصادی تک‌بعدی رشد یابد که در آن فضاهایی نظیر پالایشگاه، پتروشیمی، دفاتر فروش، مخازن، پایانه‌ها و اسکله‌های فروش به نقاط اصلی فرایند اقتصادی بدل می‌شوند. با این حال با توسعه شهر شرکتی، و همگام با پیشرفت بخش‌های مرتبط با صنایع نفتی، نیاز به فعالیت‌های خدماتی و پشتیبانی در سطح گسترده‌ای پدید می‌آید که این نیاز عموماً به واسطه شهر غیرشرکتی پاسخ داده می‌شود و همین موضوع سبب می‌شود که اقتصادی مبتنی بر فعالیت‌های خدماتی به تدریج در شهر غیرشرکتی بروز یابد. از طرف دیگر با افزایش جمعیت و توسعه در شهر غیرشرکتی فعالیت‌های تولیدی بر پایه کشاورزی، دامداری و صیادی بخش مهم از فعالیت‌های اقتصادی را تشکیل می‌دهند. همچنین به واسطه موقعیت قرارگیری آبادان در بخش شمالی خلیج فارس و مجاورت با کشورهای عراق و کویت، فعالیت‌های اقتصادی مبتنی بر تجارت و بازرگانی نیز در شهر غیرشرکتی رشد می‌یابد که همه این عوامل در کنار یکدیگر سبب می‌شود اقتصاد در شهر غیرشرکتی برخلاف شهر شرکتی در ساختاری چندبعدی شکل گیرد. به موازات آن توسعه شهر غیرشرکتی رشد می‌یابد و به تدریج از حیطه کنترل و سلطه شرکت نفت خارج می‌شود و در مقابل اقتصاد صنعتی در بخش شرکتی شهر قرار می‌گیرد. از جمله فضاهای مرتبط با اقتصاد چندبعدی در ساختار شهر غیر شرکتی عبارت است از مراکز خدماتی نظیر بازار، کارگاه‌های تعمیراتی، نخلستان‌ها، اسکله‌های ماهیگیری و بازرگانی که اساساً با فضاهای ناشی شده از اقتصاد تک بعدی و صنعتی نفتی متفاوت بودند (لهسایی زاده، ۱۳۸۴).

- تضاد زیرساختی

دوگانگی موجود در ساختار شهری علاوه بر موارد گفته شده در زیرساخت‌های مرتبط با زندگی در دو بخش شرکتی و غیر شرکتی نیز آشکار می‌شود. از نظر زیرساخت‌های بهداشتی و درمانی، شرکت نفت از بدو شروع فعالیت‌های خود در آبادان کوشید نیازهای خود را در این بخش از طریق راه‌اندازی مراکز بهداشتی تأمین نماید. به همین منظور اداره صحت شرکت نفت به ایجاد درمانگاه‌ها و بیمارستان‌ها در سطح شهر شرکتی اهتمام ورزید. این تعهد شرکت نفت در ایجاد و ارائه یک سازمان بهداشتی در حالی انجام می‌گرفت که این شرکت با این استدلال که در قبال



تصویر ۱۱. نمایی از یکی از خیابان‌های محله احمدآباد در شهر غیر شرکتی، سال ۱۹۴۳. مأخذ: Bamberg, 1994.



تصویر ۱۲. تصویری هوایی از تضاد کالبدی شهرهای شرکتی (محله بورده در پایین تصویر) و شهر غیرشرکتی در دهه ۱۹۳۰ میلادی. مأخذ: bp archives نقل از www.abadantimes.com

در برابر آن بخش دیگری از شهر اجتماعی «غیر شرکتی» راتشکیل می‌دهند که برآمده از یک جامعه سنتی و بی‌پیرایه و سبک زندگی پایین‌تر بود (رستم‌پور و همکاران، ۱۳۹۳).

- تضاد اقتصادی

در بخش شرکتی شهر، چرخه اقتصادی اساساً بر مبنای

شرکت نفت در آبادان بودند که متأثر از دیدگاه‌های استعماری در شهرسازی، عمدتاً با اهداف کنترلی، نظارتی، سازماندهی فضایی- اجتماعی انجام گرفتند. مجموعه این اقدامات، شهر احداث شده در آبادان را به یک شهر پانوپتیک تبدیل نمود که در آن تلاش شده بود تمامی ابعاد زیست شهری به نحوی تحت مدیریت و سلطه شرکت نفت قرار گیرد و منافع و موقعیت مدیران و کارمندان رده بالای این بنگاه اقتصادی را حفظ کند. با این حال آبادان را نمی‌توان تنها به عنوان یک شهر پانوپتیک مد نظر قرار داد، بلکه باید آن را از دیدگاهی دیگر تفسیر نمود. همان‌طور که گفته شد شرکت نفت از آغاز احداث پالایشگاه با جمعیتی غیرشرکتی مواجه بود که در ابتدا تنها در منطقه کوچکی در نزدیکی پالایشگاه در سکونتگاه‌های غیررسمی ساکن بودند و در واقع بخشی از اقدامات شهرسازانه در برنامه‌ریزی شهری آبادان با هدف انزوای این جمعیت و محدود کردن دسترسی آن‌ها به بخش‌های شرکتی آبادان انجام گرفت.

در اثر مهاجرت فزاینده ایرانیان به آبادان، جمعیت غیر شرکتی افزایش یافته و نیاز به گستره بیشتری جهت سکونت این افراد پدید آمد که در نتیجه آن محلات اولیه اختصاص یافته به آنان (جمعیت غیر شرکتی) پاسخگوی این جمعیت نبوده لذا این افراد در زمین‌های تفکیک‌کننده زون‌های شرکتی و غیر شرکتی ساکن شدند. این امر باعث شد مناطق شرکتی و غیر شرکتی به یکدیگر متصل شوند و به تدریج آبادان به شهری دوگانه از نظر کالبدی و فضایی- اجتماعی، اقتصادی و زیرساختی بدل شود که در بخشی از آن شهری شرکتی، منظم و سازماندهی شده و در سمت دیگر آن یک شهر غیر شرکتی، خود سازماندهی شده و فاقد هرگونه کنترل و زیرساخت اساسی وجود داشت که این دوگانگی به تولید دو هویت «شرکتی» در برابر «غیرشرکتی» منتهی شد (تصویر ۱۳).

تقدیر و تشکر

- نویسندگان این مقاله مراتب تقدیر و تشکر خود را از داوران نشریه به جهت ارائه راهنمایی‌ها و نظرات ارزنده در راستای ارتقای پژوهش فوق اعلام می‌دارند.

اعلام عدم تعارض منافع

- در انجام این پژوهش هیچ گونه تعارض منافی برای نویسندگان وجود ندارد.

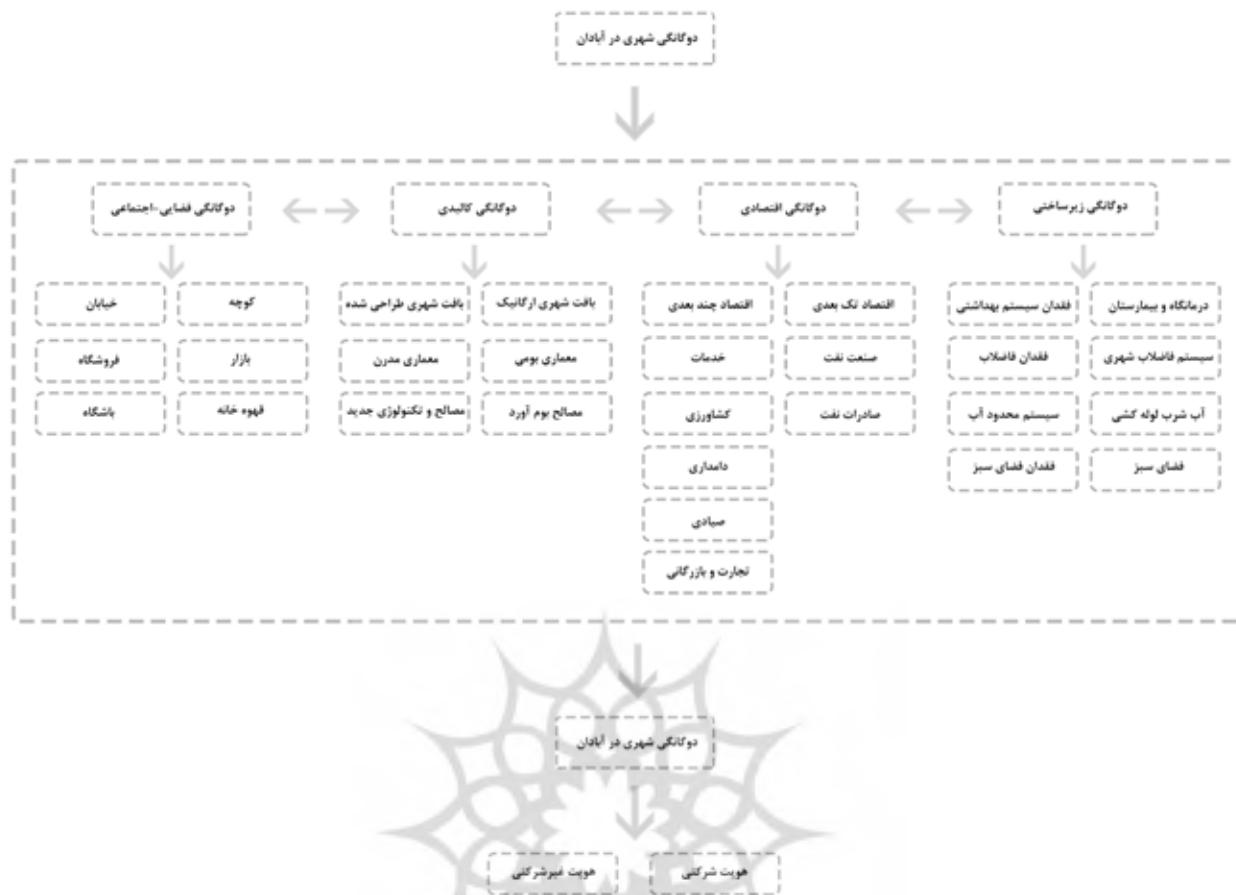
پی‌نوشت‌ها

Oxford English Dictionary .1

وضعیت بهداشتی شهر غیرشرکتی مسئولیتی ندارد، اساساً از ایجاد زیرساخت‌های درمانی در این بخش از شهر اجتناب ورزید که همین موضوع سبب می‌شد اختلاف چشمگیری را در وضعیت بهداشتی دو بخش شهر پدید آید، به نحوی که در بخش غیرشرکتی شهر بیماری‌های متعددی نظیر مالاریا و سل در بین سکنه شکل گرفت. بر مبنای همین نگاه دوگانه به فضاهای شهری، بخش غیر شرکتی شهر فاقد هرگونه «سیستم فاضلاب شهری» و همچنین «آب شرب لوله‌کشی» در منازل بود. در واقع در این زمان بخش شرکتی شهر از سیستم فاضلاب و آب شرب بسیار کارآمد و پیشرفته‌ای بهره می‌برد اما این سیستم کاملاً از بخش غیر شرکتی شهر جدا عمل می‌نمود. با این حال تنها زیرساخت تهیه‌شده از سوی شرکت نفت در این ارتباط، ایجاد لوله‌های آب آشامیدنی تنها در سر هر کوچه در بخش غیر شرکتی بود که از آن با عنوان «لوله‌های فشاری» یا «بمبو^{۱۸}» در زبان محلی یاد می‌نمودند که وظیفه انتقال آب شرب به این نقاط را بر عهده داشتند و به غیر از این مورد از ارائه دیگر زیرساخت‌های مورد نیاز زیستی صرف نظر می‌نمود. از طرف دیگر همان‌گونه که بیان شد فضاهای سبز در ساختار شهر شرکتی نقشی کلیدی را ایفا می‌نمود، اما شهر غیر شرکتی به دلیل عدم توجه شرکت نفت به موضوع کیفیت فضاهای شهری با کمبود فضاهای سبز در بسیاری بخش‌های خود مواجه بود که این عدم تناسب در فضاهای سبز سبب شده بود که بخشی از شهر در بستری باغ مانند ظهور یابد و بخشی دیگر در بستری فاقد هرگونه سبزی‌نگی (همان).

نتیجه‌گیری

این پژوهش تلاشی بود جهت مطالعه مفهوم شهرسازی استعماری در بستر جغرافیایی ایران در قالب فعالیت‌های ساختمانی شرکت نفت در شهر آبادان در جنوب غربی ایران. اساساً کشف نفت در خوزستان و فعالیت‌های استعماری شرکت نفت در این منطقه، سبب پیدایش الگوهای جدیدی در زمینه معماری، شهرسازی و برنامه‌ریزی فضایی شد که برجسته‌ترین و در عین حال گسترده‌ترین آن‌ها در آبادان به منصفه ظهور رسید. به واسطه احداث پالایشگاه نفت و سرازیر شدن جمعیت شاغل نیاز به الگویی برای برنامه‌ریزی شهری به منظور ساماندهی جمعیت در نظر شرکت نفت ضروری نمود. برای این منظور شرکت نفت تلاش کرد تا با تاسی از تجربیات شهرسازی استعماری و بر مبنای مؤلفه‌های شکل‌دهنده آن ساختار شهری مورد نظر خود را پدید آورد. اقدامات شهرسازانه‌ای نظیر استفاده از اصول زون‌بندی شهری، کمر بند سبز، بلوک‌بندی منظم و استفاده از میادین شهری در واقع ویژگی‌های اساسی شهرسازی



تصویر ۱۳. نمود دوگانگی شهری در آبادان در مؤلفه‌های کالبدی، فضای-اجتماعی، اقتصادی و زیرساختی. مأخذ: نگارندگان.

۲. colonial urbanization
۳. این شرکت در ابتدا با عنوان انگلیسی Anglo-Persian Oil Company (APOC) تأسیس شد، که بعدها در سال ۱۹۳۳ میلادی و در طی یک قرارداد جدید بین دولت‌های ایران و بریتانیا به شرکت نفت بریتانیا-ایران، با عنوان انگلیسی Anglo-Iranian Oil Company (AIOC) تغییر نام داد.
۴. این فعالیت‌ها به ظهور شهرک‌هایی منتهی شد که از جمله این شهرک‌ها می‌توان به مسجد سلیمان، هفت‌گل، نفت سفید لالی، آغاچاری و امیدیه اشاره نمود. این شهرک‌ها عمدتاً به صورت مجموعه‌هایی باغ مانند و با خانه‌هایی ساده در سبک بانگالو (bungalow) پدید آمدند. ریشه اصلی این کلمه، کاملاً هندی است و زبان بنگالی به زبان انگلیسی وارد شده است. بانگالو در واقع نوعی سبک خانه‌سازی خاص انگلیسی- هندی و دارای ریشه‌های استعماری است. این سبک در دوران حضور استعماری بریتانیا در مستعمره هند متولد شد و در دهه ۱۸۹۰ میلادی به صورت یک الگوی فرهنگی زندگی در نواحی غیرشهری یا حومه شهری به بریتانیا وارد شد و از اواخر قرن نوزدهم به عنوان الگویی برای سکونت نیروهای بریتانیایی ساکن در مستعمره‌های تأمین کننده مواد خام برای اقتصاد صنعتی بریتانیا مورد توجه قرار گرفت.
۵. رودخانه بهمنشیر در شمال و رودخانه اروندرود در جنوب آن
۶. James Mason Wilson: ویلسون پیش‌تر و در بین سال‌های ۱۹۱۳ تا ۱۹۱۶ میلادی به عنوان همکار در پروژه برنامه‌ریزی و طراحی شهر دهلی نو (New Delhi)، پایتخت جدید استعماری دولت بریتانیا حضور داشت (Damluji, 2013b). این پروژه به سرپرستی سر ادوارد لوتینز (Sir Edwin Lutyns)، شهرساز بریتانیایی انجام گرفت. لوتینز به دلیل انجام پروژه‌های متعدد شهرسازی در مستعمرات بریتانیا، با عنوان شهرساز استعماری شناخته می‌شد. این سابقه همکاری تأثیر عمیقی را بر رویکردهای ویلسون بر طراحی شهری

فهرست منابع

- بی نام. (۱۳۲۶). آبادان از نظر ساختمان و شهرسازی. آرشیوتکت، (۴)، ۱۴۱-۱۴۵.
- حاج یوسفی، علی. (۱۳۹۴). سیر تاریخی پیدایش و تحول برنامه‌ریزی اجتماعی. مجله مددکاری اجتماعی، (۴)، ۵۰-۵۹.
- حسن‌نیا، محمد و سلیمی، هدی. (۱۳۹۰). اوضاع مناطق نفت‌خیز ایران پس از کشف نفت و تشکیل شرکت نفت ایران و انگلیس. پیام بهارستان، (۱۳)، ۵۰۵-۵۵۴.
- دورتینگ، پولین لاواین. (۱۳۸۲). شهرک‌های شرکت نفت ایران و

of Modernization in Khuzestan's Company Towns: A Look at Abadan and Masjed- Soleyman. *International Review of Social History*, 48, 361-399.

- Ferrier, R. W. (1982). *The History of British Petroleum Company. Vol 1*. Cambridge: University Press
- Graebner, S. (2007). Contains Preservatives: Architecture and Memory in Colonial Algiers. *Historical Reflections / Réflexions Historiques*, 33(2), 257-276.
- Gould, J. & Kolb, W. L. (1964). *A Dictionary of Social Science*. New York: Free Press of Glencoe
- Fuller, M. (1988). Building Power: Italy's Colonial Architecture and Urbanism, 1923-1940. *Cultural Anthropology*, 3(4), 455-487.
- Hugill, D. (2017). What is a settler-colonial city? *Geography Compass*, 11:e12315. DOI.org/10.1111/gec3.12315
- Hein, C. & Sedighi, M. (2016). Iran's Global Petroleumscape: The Role of Oil in Shaping Khuzestan and Tehran. *Architectural Theory Review*, 21(3), 349-37.
- Home, R. (2013). *Of Planting and Planning; The Making of British Colonial Cities*. Second Edition. London and New York: Routledge.
- Horvath, R. J. (1972). A Definition of Colonialism. *Current Anthropology*, 13(1), 45-57.
- Jennings, E. (2007). Urban Planning, Architecture, and Zoning at Dalat, Indochina, 1900-1944. *Historical Reflections / Réflexions Historiques*, 33(2), 327-362.
- Karimi, P. & Afshar, H. (2017). *Abadan: A Case Study in Pseudo Colonial Architecture*. Iranology Foundation, Research Department of Art and Architecture.
- King, A. D. (1974). The Language of colonial Urbanization. *Sciology*, (8) 1, 81-110.
- King, A. D. (2015). *Writing the Global City, globalisation, postcolonialism and the urban*. New York: Routledge
- Loombia, A. (2015). *Colonialism/Post Colonialism*. (3rd Edition). New York: Routledge.
- Metcalf, T. R. (1984). Architecture and the Representation of Empire: India, 1860-1910. *Representation*, 6, 37-65.
- Moeini, I. & Badiee, M. (2020) *Can Modern Heritage Construct A Sensible Cultural Identity? Iranian Oil Industries and the Practice of Place Making*. In: Arefian F., Moeini S. (Eds) *Urban Heritage along the Silk Roads*. The Urban Book Series. Cham: Springer.
- Nelson, D. (2007). Defining the Urban: The Construction of French-Dominated Colonial Dakar, 1857-1940. *Historical Reflections / Réflexions Historiques*, 33(2), 225-255.
- Njoh, A. J. (2004). The experience and legacy of French colonial urban planning in sub-Saharan Africa. *Planning Perspectives*, 19(4), 435-454.

انگلیس در خوزستان؛ مطالعه‌ای درباره تاریخ شهرنشینی. ترجمه: بشیر یاقمورلی. *مجله روابط خارجی*، ۱۵، ۱۹۹-۲۰۶.

- رستم پور، کاوه؛ مسافرزاده، غزال و نظیف، حسن. (۱۳۹۳). تحول هویت اجتماعی، پیامد معماری و شهرسازی نوگرا در شهرهای نفتی خوزستان. *باغ نظر*، ۱۱(۲۹)، ۱۱-۲۲.
- طرفداری، علی‌محمد. (۱۳۸۷). حضور نخستین استعمارگران اروپایی در خلیج فارس: سرآغاز رویارویی دو نظام اقتصاد سنتی شرق و اقتصاد بورژوازی غرب. *مجله تاریخ روابط خارجی*، ۳۶، ۴۹-۷۲.
- کوچکیان، مسعود؛ آیوازیان، سیمون و نوروز برازجانی، ویدا. (۱۳۹۷). نقش دولت‌های استعماری در باز تعریف معماری مسکونی ایران. *مجله مطالعات ملی*، ۱۹(۱)، ۱۳۱-۱۴۶.
- لهسایی زاده، عبدالعلی. (۱۳۸۴). *جامعه شناسی آبادان*. تهران: کیان مهر.
- ندیم، مصطفی و حبیبی نژاد، رضا. (۱۳۹۵). روند شکل گیری اعتصابات کارگری در مناطق نفت خیز خوزستان (از پیدایش نفت تا نهضت ملی شدن صنعت نفت ۱۳۳۰-۱۲۸۷ شمسی). *مجله تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء*، ۲۶(۱۲۲)، ۱۵۹-۱۸۶.
- مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی. (۱۳۵۳). *تکوین شهر آبادان*. نامه علوم اجتماعی (دوره قدیم)، ۴، ۵۰-۵۶.
- Bamberg, J. H. (1994). *The History of British Petroleum Company. Vol 2*. Cambridge: University Press.
- Beverley, E. L. (2011). Colonial urbanism and South Asian cities. *Social History*, 36(4), 482-497.
- Bigon, L. (2012). A history of urban planning and Infectious Diseases: Colonial Segenal in the early Twentieth Century. *Urban Studies Research*. Doi: 10.1155/2012/589758
- Bigon, L. (2009). Urban planning, colonial doctrines and street naming in French Dakar and British Lagos, c. 1850-1930. *Urban History*, 36(3), 426-448.
- Celik, Z. (1997). *Urban Forms and Colonial Confrontation: Algeris under French Rule*. Berkeley: University of California Press.
- Crinson, M. (1997). Abadan: Planning and Architecture under the Anglo-Iranian Oil Company. *Palnning Perspective*, 12(3), 341-359.
- Cooper, N. (2000). Urban planning and architecture in colonial Indochina. *French Cultural Studies*, 11(31), 075-099.
- Damluji, M. (2013a). *Petroleum's Promise: The Neo-Colonial Imaginary of Oil Cities in the Modern Arabian Gulf*. Unpublished PhD Thesis, University of California, Berkeley, USA.
- Damluji, M. (2013b). *The Oil City in Focus; The Cinematic Spaces of Abadan in the Anglo- Iranian Oil Company's Persian Story*. *Comparative Studies of South Asia, Africa and the Middle East*, 33(1), 75-88.
- Dovey, K. (2002). *Framing Place: Mediating Power in built Form*. London: Routledge.
- Ehsani, K. (2003). *Social Engineering and the Contradictions*

- Njoh, A. & Bigon, L. (2015). Germany and the deployment of urban planning to create, reinforce and maintain power in colonial Cameroon. *Habitat International*, 49, 10-20.
- Porteous, J. D. (1970). The Nature of Company Town. *Transactions of the Institute of British Geographers*, 51, 127-142.
- Sarkhosh, R. (2018). 'Shaping Ahwaz' Transitional oil Modernity; at the Crossroads of Oil Flows and International Planning Exchanges. *The 18th International Planning History Society Conference*. Japan. Yokohama.
- Seccombe, I. J. & Lawless, R. I. (1987). *Works Camps and Company Towns: Settlement Patterns and Gulf Oil Industry*. University of Durham, Center for Middle Eastern and Islamic Studies.
- Tiesdell, S. & Oc, T. (1998). Beyond fortress and panoptic cities-towards a safer urban public realm. *Environmental and Planning B: Planning and Design*, 25, 639-655.
- Vann, M. (2007). Building Colonial Whiteness on the Red River: Race, Power, and Urbanism in Paul Doumer's Hanoi, 1897-1902. *Historical Reflections / Réflexions Historiques*, 33(2), 277-304.
- van Kempen, E. T. (1994). The dual city and the poor: social polarization, social segregation and life chances. *Urban Studies*, 31(7), 995-1015.
- Zagagi, N. (2016). Urban area and hinterland: The case of Abadan (1910-1946), *The Journal of the Middle East and Africa*, 7(1), 61-83.
- Zagagi, N. (2020). An Oasis of Radicalism: The Labor Movement in Abadan in the 1940s, *Iranian Studies*: DOI: 10.1080/00210862.2020.1733393.



COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله:

زندیه، مهدی؛ حکمت، حسن و مقصودی، امین. (۱۴۰۰). مفهوم شهرسازی استعماری در ایران؛ نمونه موردی: آبادان در دوره استعماری نفتی بریتانیا. *باغ نظر*، ۱۸ (۹۸)، ۵-۲۰.

DOI: 10.22034/BAGH.2021.242478.4624

URL: http://www.bagh-sj.com/article_131317.html

